

تجزیه و تحلیل به کمک نسبتهای مالی

نسبتهای مالی در ۵ گروه بشرح ذیل طبقه بندی می شوند :

۱- نسبت نقدینگی : نقدینگی عبارتست از توانایی شرکت در جوابگویی به تعهدات کوتاه مدت خود . نقدینگی جهت اجرای فعالیت های واحد تجاری ضروری است ، به خصوص در زمانی که شرکت با مشکلات خاصی نظیر رکود اقتصادی و یا زیانهای ناشی از آن و یا افزایش ناگهانی در قیمت مواد اولیه و یا قطعات مورد استفاده شرکت روبرو گردد . در چنین شرایطی چنانچه شرکت فاقد نقدینگی کافی باشد مشکلات مالی جدی برای آن بوجود خواهد آمد .

۲- نسبت های فعالیت : این نسبتها نشان می دهند که با چه سرعتی دارایی های مختلف به فروش یا پول نقد تبدیل می شوند . به عبارت دیگر این نسبتها حاکی از توانایی مدیریت در بکارگیری داراییها در فعالیت نهایی شرکت (فروش محصول) می باشد .

۳- نسبتهای اهرمی (بازپرداخت بدهی های بلند مدت) : توانایی بازپرداخت بدهی عبارتست از قدرت جوابگویی مؤسسه به بدهیهای بلندمدت خود ، در رسیدن آنها تحلیل این توانایی بر ساختار بلندمدت مالی و عملیاتی مؤسسه تاکید دارد . میزان بدهی های بلندمدت مؤسسه در ساختار سرمایه آن نیز در این تحلیل مورد توجه قرار می گیرد . در این بررسیها سودآوری مؤسسه نیز باید مورد دقت قرار گیرد ، چراکه تا شرکت سودآور نباشد قادر به بازپرداخت بدهیهای خود نخواهد بود . وقتی بدهی یک شرکت زیاد باشد مدیریت ناچار خواهد بود که برای تأمین منابع مالی اضافی به روشهای دیگری و در صدر آن به صاحبان سرمایه (صدور سرمایه) متوسل شود ، و نیز تلاش نماید که سررسید بدهیهای را تمدید کند که بدون شک هزینه تأمین سرمایه در هر یک از این حالات افزایش خواهد یافت .

۴- نسبت های سودآوری : یکی از شاخص های مهم سلامت مالی شرکت و کارایی مدیریت آن توانایی شرکت در کسب سود قابل قبول و یا برگشتی راضی کننده روی سرمایه گذاری آن است .

بدیهی است که سرمایه گذاران تمایلی به مشارکت در شرکتی که سودآوری و درآمدسازی ضعیفی دارد از خود نشان نمی دهند. چرا که سودآوری اندک در قیمت سهام و توانایی بالقوه شرکت در پرداخت سود سهام تأثیر منفی دارد. اعتباردهندگان نیز راضی به پرداخت وام به شرکتی که موقعیت ضعیفی از نظر سودآوری دارد نخواهند بود، چون احتمال این را می دهند که طلب آنها هرگز بازپرداخت نگردد. البته باید یادآوری شود که قدر مطلق سود اهمیت چندانی ندارد مگر اینکه این سود در قیاس با منبع ایجاد آن (میزان سرمایه گذاری) مورد ارزیابی قرار گیرد.

۵- نسبتهای مربوط به ارزش بازار سهام: گروه دیگری از نسبتها، قیمت بازار سهام شرکت را به سود عایدی و یا ارزش دفتری این سهام ارتباط می دهد. همچنین ارتباط قیمت سهام را، با سود سهام پرداختی به سهامداران روشن می سازد

نسبت های نقدینگی

نسبت جاری: عبارتست از حاصل تقسیم داراییهای جاری به بدهیهای جاری. این نسبت نشان دهنده توانایی بازپرداخت بدهیهای جاری از محل داراییهای جاری مؤسسه می باشد. فرمول محاسبه نسبت جاری به شرح ذیل می باشد:

دارایی های جاری

----- = نسبت جاری

بدهی های جاری

نسبت سریع (آنی): نسبت سریع از تقسیم نقدترین اقلام دارایی جاری (وجوه نقد، موجودی بانک و اسناد دریافتنی) به بدهی های جاری بدست می آید. موجودی کالا به دلیل اینکه برای نقد شدن به مدت زمان طولانی تری نیاز دارند، در این محاسبه لحاظ نمی شوند. پیش پرداختها نیز به دلیل اینکه اصولاً به وجه نقد تبدیل نمی شوند در این محاسبه جزء داراییهای جاری محسوب نمی

شوند . بدیهی است که رقم بیش از یک برای این نسبت نشان دهنده توانایی شرکت
دربازپرداخت بدهی های جاری است . فرمول محاسبه نسبت سریع به شرح ذیل می باشد :

(پیش پرداختها + موجودی کالا) - دارائیهای جاری

----- = نسبت سریع

بدهی های جاری

نسبتهای اهرمی (بازپرداخت بدهی های بلند مدت)

توانایی بازپرداخت بدهی عبارتست از قدرت جوابگویی مؤسسه به بدهیهای بلندمدت خود ،
درسررسید آنها تحلیل این توانایی بر ساختار بلندمدت مالی و عملیاتی مؤسسه تاکید دارد . می-زان
بدهی های بلندمدت مؤسسه در ساختار سرمایه آن نیز در این تحلیل مورد توجه قرار می گیرد .
در این بررسیها سودآوری مؤسسه نیز باید مورد دقت قرار گیرد ، چراکه تا شرکتی سودآور نباشد قادر
به بازپرداخت بدهیهای خود نخواهد بود . وقتی بدهی یک شرکت زیاد باشد مدیریت ناچار خواهد
بود که برای تأمین منابع مالی اضافی به روشهای دیگری و درصدرآن به صاحبان سرمایه (صدور
سرمایه) متوسل شود ، و نیز تلاش نماید که سررسید بدهیهای را تمدید کند که بدون شک هزینه
تأمین سرمایه در هر یک از این حالات افزایش خواهد یافت . نسبتهای اهرمی شامل موارد زیر است :

نسبت بدهی : این نسبت جمع کل بدهیها را با جمع کل دارائیهها مقایسه می کند . به عبارت
دیگر درصد کل منابعی را که از طریق قرض گرفتن از طلبکاران تأمین شده است نشان می دهد .
طلبکاران ترجیح می دهند که این نسبت کوچکتر باشد چون در صورت ورشکستگی شرکت ریسک
کمتری را برای ازدست دادن طلب خود تحمل خواهند کرد

جمع کل بدهیها

----- = نسبت بدهی

جمع کل دارایی ها

نسبت بدهی به ارزش ویژه: این نسبت شاخص مهمی از توانایی شرکت در بازپرداخت بدهیهای خودمی باشد. زیرا نسبت بالای بدهی در ساختار سرمایه شرکت ممکن است پرداخت بهره و حتی اصل بدهیها را دچار اشکال نماید

جمع کل بدهیها

نسبت بدهی به ارزش ویژه = -----

ارزش ویژه (حقوق صاحبان سهام)

نسبت پوشش هزینه بهره: این نسبت نشان می دهد که سود قبل از بهره و مالیات شرکت چند بارمی تواند هزینه بهره را پوشش دهد. در واقع این نسبت حاشیه ایمنی خاصی را، از نظر طلبکاران منعکس می کند و نشان می دهد که شرکت چه مقدار کاهش در سود رامی تواند تحمل کند و هنوز قادر به پرداخت هزینه بهره باشد.

سود قبل از بهره و مالیات

نسبت پوشش هزینه بهره = -----

هزینه بهره

نسبت های سود آوری

یکی از شاخص های مهم سلامت مالی شرکت و کارایی مدیریت آن توانایی شرکت در کسب سود قابل قبول و یا برگشتی راضی کننده روی سرمایه گذاری آن است. بدیهی است که سرمایه گذاران تمایلی به مشارکت در شرکتی که سود آوری و درآمد سازی ضعیفی دارد از خود نشان نمی دهند. چرا که سود آوری اندک در قیمت سهام و توانایی بالقوه شرکت در پرداخت سود سهام تاثیر منفی دارد. اعتبار دهندگان نیز راضی به پرداخت وام به شرکتی که موقعیت ضعیفی از نظر سود آوری دارد نخواهند بود، چون احتمال این را می دهند که طلب آنها هرگز بازپرداخت نگردد. البته باید یادآوری شود که قدر مطلق سود اهمیت چندانی ندارد مگر اینکه این سود در قیاس با منبع ایجاد

آن (میزان سرمایه گذاری) مورد ارزیابی قرارگیرد. برخی از مهمترین شاخص های ارزیابی نتیجه عملکرد شرکت به شرح ذیل می باشد:

حاشیه سود ناخالص: این نسبت نشان دهنده درصد سودی است که پس از پرداخت قیمت تمام شده کالای فروخته شده عاید می شود. بدیهی است که هرچه این نسبت بالاتر باشد وضع مطلوبتری را نشان می دهد. سود ناخالص عبارتست از تفاضل فروش خالص از قیمت تمام شده کالای فروخته شده.

سود ناخالص

حاشیه سود ناخالص = -----

فروش خالص

حاشیه سود خالص: نسبت سود خالص به فروش خالص را حاشیه سود خالص می نامند. این نسبت نشان دهنده سودآوری حاصل از درآمد و یکی از شاخصهای مهم عملکرد شرکت است. همچنین این نسبت معرف بازدهی و کارایی تولید و ساختار قیمت تمام شده و هزینه های شرکت است.

سود خالص

حاشیه سود خالص = -----

فروش خالص

بازده سرمایه گذاری (برگشت روی سرمایه گذاری): این نسبت نشان می دهد که شرکت روی سرمایه گذاری انجام شده در آن (کل داراییها شرکت) چند درصد سود (بازده) داشته است. دو نسبت مهم در این رابطه وجود دارد:

۱- برگشت روی داراییها

۲- برگشت روی حقوق صاحبان سهام

سود خالص

برگشت نرخ بازده سرمایه گذاری به داراییها = -----

میانگین کل داراییها

سود خالص

نرخ بازده حقوق صاحبان سهام = -----

میانگین حقوق صاحبان سهام

نسبت های مربوط به ارزش بازار سهام

گروه دیگری از نسبت ها ، قیمت بازار سهام شرکت را به سود عایدی و یا ارزش دفتری این سهام ارتباط می دهد . همچنین ارتباط قیمت سهام را ، با سود سهام پرداختی به سهامداران روشن می سازد . که شامل نسبت های :

درآمد هر سهم : درآمد هر سهم نشان دهنده عایدی هر سهم عادی شرکت می باشد . چنانچه شرکت دارای سهام ممتاز باشد ، باید سود متعلق به این سهام از سود خالص شرکت کسر گردد تا سود متعلق به سهام عادی بدست آید . درآمد هر سهم عبارتست از حاصل تقسیم سود متعلق به سهام عادی به تعداد این سهام . درآمد هر سهم شاخص خوبی جهت ارزیابی عملکرد شرکت و پیش بینی سود سهامی است که ممکن است توسط شرکت به سهامداران پرداخت شود .

سود متعلق به سهام ممتاز - سود خالص

درآمد سهم = -----

تعداد سهام عادی

نسبت قیمت به درآمد هر سهم : برخی از نسبتها رابطه مؤسسه را با سهامدارانش ارزیابی می کند . نسبتی وجود دارد که مشخص می کند قیمت هر سهم در بازار چند برابر عایدی سالانه آن سهم است . این نسبت که به ضریب P/E شهرت دارد از حاصل تقسیم قیمت بازار هر سهم به درآمد هر سهم بدست می آید .

قیمت روز هر سهم در بازار

نسبت P/E = -----

درآمد هر سهم

ارزش دفتری هر سهم : ارزش دفتری هر سهم عبارتست از حاصل تقسیم ارزش ویژه یک شرکت به تعداد سهام عادی آن . بدیهی است که در این محاسبه ارزش سهام ممتاز باید از ارزش ویژه کسر گردد . مقایسه ارزش دفتری هر سهم با قیمت بازار آن شاخص دیگری است از اینکه نظر سرمایه گذاران نسبت به شرکت چگونه است .

ارزش دفتری سهام ممتاز - جمع ارزش ویژه

----- = ارزش دفتری هر سهم

تعداد سهام عادی

نسبتهای سود سهام : در هر سال قسمتی از سود خالص شرکت (و گاهی از سود سالهای گذشته) طبق تصمیم مدیریت و تصویب مجمع ، بین سهامداران به عنوان سود سهام توزیع می شود . بدیهی است که بسیاری از سهامداران نیز با انگیزه دریافت سود سهام مبادرت به خرید سهام می کنند . در این رابطه دو نسب وجود دارد که وضع سود سهام پرداختی شرکت را ارزیابی می کند .

نسبت سود سهام پرداختی به قیمت هر سهم

سود سهام پرداختی هر سهم

سود سهام پرداختی هر سهم

----- = نسبت سود سهام پرداختی به قیمت هر سهم

قیمت بازار هر سهم

کل سود سهام پرداختی

----- = سود سهام پرداختی هر سهم

تعداد سهام

